

پشت بوم

لولوشدن کمیسون فرهنگی مجلس

حسین هاشم‌پور

● آقای نصرالله پژمان‌فر، یک روز پیش از آنکه رئیس کمیسون فرهنگی مجلس شود، در گفت‌وگویی با خبرگزاری فارس گلایه کرده است: «برخی می‌خواهند از کمیسون فرهنگی «لولو» درست کنند».

یک- آبا هیچ‌گاه کمیسون محترم فرهنگی مجلس تحقیق میدانی کرده است ببیند چند درصد از هنرمندان، اعضای این کمیسون را می‌شناسند؟ دو- تنها از منظر آمار، کمیسون از چند هنرمند برای گفت‌وگو و مشورت به مجلس دعوت کرده است؟

سه-اعضای محترم این کمیسون، سالانه چند بار به سالن‌های نمایش پا می‌گذارند؟ چند کنسرت و چند نمایشگاه هنرهای تجسمی را می‌بینند؟ پای درددل‌های کتاب‌فروشی‌ها نرفته‌اند؟...

چهار- کمیسون فرهنگی چند بار برای موفقیت‌های ملی و بین‌المللی هنرمندان پیام تبریک یا دست‌گلی فرستاده است؟

پنج- خبرنگاران حوزه فرهنگ و هنر که راهی به جلسات کمیسون فرهنگی ندارند، بنابراین اخبار منتشره از آن حاصل مصاحبه‌ها یا احضار وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاونان وزیر است... آیا دوستان تحلیل محتوا کرده‌اند ببیند پیام‌هایی که به رسانه‌ها و جامعه هنری ارسال می‌کنند چه رویکردهایی دارد؟ چند بار از کلمه توقیف بهره برده‌اند، چند بار خواهان تشویق هنرمندان شده‌اند، چند بار از تحدید فضای فرهنگی گفته‌اند؟ شش- جناب پژمان‌فر در مصاحبه مزبور تأکید کرده است مجلس خوشش نمی‌آید برای یک فیلم ورود کند و ترجیح کمیسون به مسائل کلان و راهبردی است، آیا فهرستگانی از پیشنهادات راهبردی و کلان این کمیسون به صحن علنی مجلس شورای اسلامی موجود است؟

هفت- مطالبه محوری و مستمر جامعه فرهنگ و هنر، ناچیزبودن بودجه است؛ چرا کمیسون فرهنگی نتوانسته دراین‌باره توفیقی یابد؟ هشت- «آیا مجلس و جامعه هنری دو خط موازی‌اند؟» تیر ههین ستون در هفدهم شهریور ۹۳ بود، آیا پرسش‌های جامعه هنری به گوش کمیسون محترم می‌رسد؟

نه- مجلس به مجلس، هنرمندان با امید ترمیم زاویه نگاه خانه ملت به بنیادین‌بودن امر فرهنگ، مردم را به حضور در بیای صندوق رای تشویق کرده‌اند، اما این روزها پس از استقبال‌نکردن نمایندگان نوآمده از این کمیسون، تصور می‌کنند آب در هاون می‌کوبند، آیا چهره‌ای که اعضای پیشین از این کمیسون ارائه داده‌اند و البته میزان تأثیرگذاری‌اش، در این عدم اقبال ناامیدکننده مؤثر بوده؟

ده- فهرستگان این سوآلات بیش از اینهاست، اما پاسخ به همین نمونه‌ها کافی است تا روشن کند آیا دست‌هایی در پشت پرده در کارند تا از کمیسون فرهنگی لولو بسازند یا اینکه این محصول بدبهی شیوه رفتاری کمیسون در این سال‌هاست.

پیشنهاد روز

انیمیشن‌های علی‌اکبر صادقی در موزه هنرهای معاصر تهران

● **شرق**: انیمیش‌های زال و سیمرخ، ملک خورشید و چهار انیمیشن دیگر از علی‌اکبر صادقی در هفته فیلم‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، روز چهارشنبه، دوم تیر، ساعت پنج بعدازظهر در سالن سینماتک موزه هنرهای معاصر تهران به نمایش درمی‌آید. بنا بر گزارش روابطعمومی موزه هنرهای معاصر تهران، در سومین روز از نمایش منتخبی از فیلم‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، روز چهارشنبه دوم تیر ساعت پنج بعدازظهر، انیمیشن‌های «زال و سیمرخ» (۱۳۵۶)، «رخ» (۱۳۵۳)، «گلپار» (۱۳۵۱)، «ملک خورشید» (۱۳۵۴)، «من آتم که» (۱۳۵۲) و «هفت شهر» (۱۳۵۰) از علی‌اکبر صادقی در سالن سینماتک موزه هنرهای معاصر تهران به نمایش درمی‌آید.
علی‌اکبر صادقی در سال ۱۳۱۶ در تهران متولد شد. او در سال ۱۳۳۷ به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت و به‌تدریج، صاحب سبک ویژه‌ای در این تصویرسازی و نقاشی با حال‌وهوای ایرانی شد و این سبک در فیلم‌های انیمیشن او نیز دنبال می‌شود. آثار صادقی، همگی از عناصر مشترکی مانند داستان‌های ملی و نگارگری (میناتور) ایرانی بهره گرفته‌اند. سبک نقاشی صادقی به‌نوعی یادآور نقاشی قهوه‌خانه‌ای در تلفیق با فضای سوررئال است. علاقه‌مندان می‌توانند برای استفاده از برنامه‌های نمایش فیلم‌های کانون به صورت رایگان و آزاد، تا روز ۱۰ تیر (ساعت پنج بعدازظهر) به گیزار جععه، چهارم و دوشنبه، هفتم تیر به موزه هنرهای معاصر تهران، واقع در خیابان کارگر شمالی مراجعه به برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۸۸۹۵۱۹۶۵ تماس حاصل کنند.

● **متن «نگاهمان می‌کنند» چگونه شکل گرفت؟**

سال ۸۹ یا ۹۰، محمدرضا اصلی که در آن دوران دستیار کارگردان بود، به من گفت یک ایده اجرایی دارم. او گفت می‌خواهم دو فضا روبه‌روی هم بسازم که تماشاگر روی یک پشت‌بام بنشیند و اجرا روی پشت‌بامی دیگر باشد و تماشاگر احتمالا با دوربین شاهد اتفاقات خانه‌ای باشد که در آن کسی می‌خواهد خودکشی کند. این ایده برایم خیلی جالب بود و به آقای اصلی گفتم حتما به آن فکر می‌کنم اما عملا از لحظه‌ای که گفتم به این ایده فکر می‌کنم تا وقتی که نمایش‌نامه نوشته شد، حدودا دو، سه‌سال طول کشید. آقای اصلی با یک پیگیری و پشتکار غریبی تمام این سال‌ها، محترمانه ماهی یک‌بار به من یادآوری کردند که منتظر متن هستم. نهایتا بعد از کشمکش‌های ذهنی بسیار به یک طرحی رسیدم که نمایشی که حالا روی صحنه است، تقریبا با ۲۰۰۳۰ درصد تغییر، کامل‌شده همان طرح است. اتفاقات نمایش برایم بسیار به‌روز بود چون تحت‌تأثیر وقایع همان سال‌ها بود و حسی مشترک برای همه‌مان وجود داشت که انگار تحت نگاه و نظر هستیم، ناامنی غریبی بر زندگی همه حکم‌فرما بود و همه فکر می‌کردند که فضاهای خصوصی‌شان تحت کنترل است. در چنین فضایی طرح «نگاهمان می‌کنند» برای من شکل گرفت و یک‌باره این نمایش‌نامه برایم خیلی جذاب شد.

● **از این نمایش، کنترل‌شدن و زیرنظربودن مورد توجه قرار گرفته. آیا در نگارش «نگاهمان می‌کنند» از «تله‌اسکرین»ی که جورج اورول در رمان ۱۹۸۴ ترسیم کرده و به‌واسطه آن همین حس تحت‌کنترل‌بودن را انعکاس داده، الهام گرفتید؟**

راستش موقع نوشته‌شدن نمایش‌نامه، موضوعات بسیاری برای الهام‌گرفتن در اطرافم داشتم و لازم نبود از جایی بیرون از فضای شخصی روزمره خودمان الهام بگیرم. بزرگ‌ترین الهام‌بخش، واقعیات روزمره‌ای بود که آن روزها در زندگی‌مان جریان داشت.

● **اما مصداق این نظارت یا تحت‌نظربودن را چقدر در فضای خود تاتار احساس کردید؟**

بله این حس نظارت و نبود امنیت در همه جوانب زندگی وجود دارد. اینکه کسانی که هم‌زمان که داری با تلفت حرف می‌زنی، کسانی دیگر هم می‌توانند صدای تو را بشنوند یا اگر یک پیغام خیلی خیلی خصوصی روی موبایلت داری، کسان دیگری هم این امکان را دارند که آن را بخوانند، دردناک است. برای من این نمایش‌نامه در مواجهه با همین وجه دشوار زندگی شکل گرفت.

● **یکی از مشخصه‌های مدرنیته، یک‌جور حس نبود امنیت همگانی است و این نبود امنیت انگار مرز و جغرافیا هم نمی‌شناسد. با توجه به اینکه شما به‌واسطه تدریس و پژوهش در آمریکا و دیگر نقاط دنیا، مدام سفرهای خارجی دارید، چقدر این حس نبود امنیت را در دیگر کشورهای دنیا تجربه کرده‌اید؟**

حس نبود امنیت و زیر نگاه‌بودن موضوعی فراگیر و همه‌جایی است و جغرافیا نمی‌شناسد؛ منتها در کشورهای مختلف این حس کم و زیاد می‌شود. در غرب هم گاهی‌وقت‌ها شدیدا حس می‌کنم که یک‌جورهایی زیر نگاهم، اگر چه که اگر بخوام صادق باشم باید بگویم اینجا خیلی بیشتر زندگی‌ام با این حس پیوند خورده است. برای من به‌عنوان کسی که از خاورمیانه به غرب سفر می‌کند، همواره این حس هولناک زیر نگاه‌بودن وجود دارد و

در آن جغرافیا بالقوه می‌توانم یک متهم باشم، در سفری که اخیرا به هلند داشتم، بین راه در فرودگاه فرانکفورت به من گفتند که اثر چهار انگشت تو با اثر انگشتی که سفارت فرستاده، نمی‌خواند و باید پلیس به این موضوع رسیدگی کند، شرایطی هولناک بود چون حتی به انگشت‌های دست هم شک می‌کنی و فکر می‌کنی آن چهار اثر انگشتی که ناخوانا بوده، پس انگشتان کیست؟! سیستم‌های امنیتی در سراسر دنیا به این شکل است که اگر در داشان بیفتی، چنان مثل گناهکار با تو رفتار می‌کنند که به خودت شک می‌کنی! نهایتا به پلیس گفتم شما فکر می‌کنید من چهارتا انگشتم را عوض کرده‌ام؟ یا شش‌تا انگشت به خودم وصله زده‌ام؟ نهایتا ماجرا با مذاکره حل شد و گذاشتند که من به سفرم ادامه بدهم. بعد از این اتفاق فکر کردم که چقدر روزبه‌روز این زیر نگاه‌بودن برای ما سخت و تلخ و تلخ‌تر می‌شود. در ایران به‌تازگی و در غرب، از مدت‌ها پیش دوربین‌های مداربسته همه‌جا



علی‌اکبر صادقی، کارگردان فیلم «فروشنده»

گفت‌وگو با نغمه ثمنی؛

ترس، سرباز اصلی است

عسل عباسیان

نغمه ثمنی که اخیرا نامش به‌واسطه نگارش سریال «شهرزاد» سر زبان‌ها افتاده، از سال‌ها پیش به‌واسطه نمایش‌نامه‌هایی که نوشته، در محافل تئاتری زبازند است. این استاد نمایش‌نامه‌نویسی دانشگاه تهران که اخیرا نمایش‌نامه «نگاهمان می‌کنند» از او به کارگردانی محمدرضا اصلی در سالن مسعودیه روی صحنه رفته، به‌زودی کارنوال انزوا را با دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا به راه می‌اندازد و به بهانه همین اتفاقات با او گفت‌وگو کردیم.

ما را زیر نظر دارند. جز زیرنظرگرفته‌شدن توسط این دوربین‌ها، ما می‌دانیم تمام چیزهایی که در کامپیوتر یا موبایلمان ذخیره می‌کنیم در جای عجیبی به نام آی‌کلود ذخیره می‌شود که دقیقا نمی‌دانیم کجاست و آیا ممکن است روزی دیگران هم به آن دسترسی داشته باشند؟ اگر روزی آی‌کلود ترکیب د همه اطلاعات ما پخش شد، چه می‌شود؟ یا حس اینکه وقتی داری با تلفن حرف می‌زنی یک نفر دیگر هم ممکن است صدای تو را بشنود ترسناک است.

● **آما کماتانی که در جهان امروز با آن مواجهیم و استفاده از آنها ناگزیر است، آیا اساسا به مرور تعریف حریم شخصی را دست‌خوش تغییر نمی‌کنند؟**

کاملا همین‌طور است و من فکر می‌کنم، امروز ما در دوره شوک هستیم. ما تازه چند سال است با این تکنولوژی‌ها و اتفاقات مواجه شده‌ایم و هنوز متوجه نیستیم این امکانات چه تغییرات سیل‌آسایی را در زندگی ما رقم خواهند زد، تغییر مفهوم حریم خصوصی هم بی‌شک یکی از همین تغییرات است. من فکر می‌کنم امکانات تکنولوژیک امروز، پدیده‌هایی خیلی خیلی عجیب هستند و ساده‌انکارانه است که فکر کنیم این پدیده عجیب در همین حد خواهد ماند. این پدیده تعاریف زندگی

شخصی و فضای خصوصی را به‌زودی جابه‌جا خواهد کرد. هنوز ما در دوران شوک هستیم و نفهمیده‌ایم یا چه چیزی مواجهیم. باوجود اینکه وقتی شورای کمونیستی فروریخت، براساس استعاره کوندراپی فهمیدیم دیوارهای زندگی شخصی که فرو ریخته بود، در حال احیاست؛ امروز به آنجا رسیده‌ایم که می‌گوییم این دیوار، شیشه‌ای است. شاید ۴۰، ۵۰ سال آینده یک‌باره به این نتیجه برسیم که باید تعریف‌مان را از زندگی خصوصی تغییر دهیم ولی نمی‌دانم چه تخیلی می‌توان از آن دوران داشت. اگر زول‌ورن امروز بود شاید یکی از موضوعات اصلی‌اش برای تخیل آینده، همین بود که وقتی در جایی زندگی می‌کنی که همه صدايت را می‌شنوند و تصویرت را می‌بینند و هیچ حریم شخصی و فضای خصوصی وجود ندارد، زندگی در این شرایط چه شکلی پیدا خواهد کرد؟

● **۵۰ سال آینده یک‌باره به این نتیجه برسیم که باید تعریف‌مان را از زندگی خصوصی تغییر دهیم ولی نمی‌دانم چه تخیلی می‌توان از آن دوران داشت. اگر زول‌ورن امروز بود شاید یکی از موضوعات اصلی‌اش برای تخیل آینده، همین بود که وقتی در جایی زندگی می‌کنی که همه صدايت را می‌شنوند و تصویرت را می‌بینند و هیچ حریم شخصی و فضای خصوصی وجود ندارد، زندگی در این شرایط چه شکلی پیدا خواهد کرد؟**

● **از صحبت‌هایتان اشاره کردید که نظارت امنیتی حتی در غرب به چشمگیر است و همه چیز کنترل می‌شود. وقتی با پدیده‌ای مثل داعش روبه‌رویم که نه‌تنها جرم و جنایتش را کتمان نمی‌کند بلکه آن را نمایش هم می‌دهد، می‌تواند به این معنا باشد که زندگی‌کردن در فضایی با دیوارهای شیشه‌ای انگار خشونت و جرم و جنایتی که قبلا سعی بر پنهان‌کردنش بود را عریان‌تر از**

اعتراض مهدویان به صداوسیما؛

تیزر فیلم ما را درست پخش کنید

فیلم «بادیگارد»، به کارگردانی ابراهیم حاتم‌کیا، دقیقه‌ای از شبکه‌های تلویزیون پخش می‌شد، اما این امکان برای فیلم «ایستاده در غبار» و سایر فیلم‌های در حال اکران وجود ندارد و تیزرهایشان ثانیه‌ای پخش می‌شود. «ایستاده در غبار» درباره زندگی احمد متوسلیان، از فرماندهان برجسته دوران دفاع مقدس، است که موردتوجه منتقدان و عموم مردم قرار گرفته است، ولی متأسفانه این‌روزها از تبلیغات تلویزیونی خوبی برخوردار نیست. «ایستاده در غبار»، فیلم برگزیده سی‌وچهارمین دوره جشنواره فیلم فجر نیز بود، درحالی‌که «بادیگارد» در این بخش هم کاندیدا نشد.

از سوی دیگر، فیلم «بارکد» به کارگردانی مصطفی کیایی، هم به دلیل صدای «یاس» اصلاحیه خورد و صدای این ریپر از تیتراژ فیلم، در



علی‌اکبر صادقی، کارگردان فیلم «فروشنده»

امسال‌مان در سالن موج نو برگزار خواهد شد.

● **۴ هر سال، با توجه به موضوع محوری نمایش‌نامه‌هایی که دانشجویان‌تان نوشته‌اند، نام کارنوال را انتخاب می‌کنید؟**

دقیقا. هیچ‌وقت اول ترم نمی‌گویم که می‌خواهم روی این موضوع کار کنیم چون نمی‌خواهم دانشجویانم محدود شوند؛ ولی بعد که همه نمایش‌نامه‌ها نوشته می‌شوند، آنها را کنار هم می‌گذارم و به طرز عجیبی می‌بینم، همه یک محوریت دارند. سال اول به طرز عجیبی همه شخصیت‌هایی که توسط دانشجویانم نوشته شدند، شخصیت‌هایی منفعل بودند و سال گذشته تم اعتراف در نمایش‌نامه‌ها خیلی جدی بود و امسال همه شخصیت‌های نمایش‌نامه‌ها، شکلی از درخود فرو رفتن و انزوا را تجربه می‌کنند.

● **در کلاس‌ها، خودتان به نمایش‌نامه‌های دانشجویان جهت می‌دهید و آنها را هدایت می‌کنید؟**

نه، به‌هیچ‌وجه. هدایت تئاتیک نمی‌کنم فقط وقتی می‌فهمم یک نفر می‌خواهد از چه حرف بزند، صدای درونی‌اش را پیدا می‌کنم و کمک می‌کنم تا آن صدای درونی به بهترین شکل ممکن دراماتیزه شود. برای جوان‌هایی که تازه دارند نمایش‌نامه می‌نویسند و می‌خواهند صدای‌شان را پیدا کنند، موضوع و سوژه تعیین کردن، مفید نیست. امسال با بچه‌های کلاس دیگری که کلاس دیالوگ‌نویسی است، هم یک کارنوال دیگر برگزار می‌کنم به نام «کارنوال تهران».

کلاس ماجرا از ابتدا فرق داشت. اساسا قرار بود همه با یک موضوع، نمایش‌نامه بنویسند و هنرچوان تهران را در نمایش‌نامه‌های‌شان ترسیم کنند؛ چون در این در کل مسئله‌مان دیالوگ بود. هدف این بود که ببینیم یک نسل شهر خودش را چطور می‌بیند.

● **کارنوال انزوا، اجرایی از نمایش‌نامه‌های دانشجویان دانشکده تهران خواهد بود که اولین نمایش‌نامه‌عمران را نوشته‌اند؟**

بله، اغلب‌شان اولین نمایش‌نامه‌های عمرشان را بناست اجرا کنند؛ البته این تجربه، تجربه‌ای جدی است، چون چندین بار بازنویسی شده و حاصل یک تجربه کارگاهی است.

● **دانشگاه تهران برای برگزاری این کارنوال حمایتی هم کرد؟**

نه، من کارنوال را بیرون دانشگاه برگزار می‌کنم؛ برای اینکه شکل عمومی‌تری به آن بدهم و دانشجویانم را با فضای حرفه‌ای‌تر تئاتر مواجه کنم؛ بنابراین حمایت دانشگاه در درجه اول همین است که برای این دانشجویها، شرایط تحصیل رایگان فراهم کرده و همین‌طور فضای آزادی در اختیارمان گذاشته تا راجع به هرچیز که می‌خواهیم، فکر کنیم و حرف بزنیم. من از این جهت خیلی خیلی دانشکده هنرهای زیبا را دوست دارم و قدران هستم؛ چون هیچ‌کس در کلاس‌های ما سرک نمی‌کشد.

● **اگر دورانی که خودتان دانشجوی هنرهای زیبا بودید، فضا همین‌طور نبود؟**

آن زمان هم کم‌وبیش همین‌طور بود؛ ولی ما از فضای خاص دهه ۶۰ بیرون آمده بودیم... آن زمان، خودمان، خودمان را نگاه می‌کردیم؛ اما امروز فضا مطلوب‌تر است و بچه‌های این نسل جسارت دارند.

● **شما که چند سال است با نسل دهه ۷۰ و سوره‌ها و دغدغه‌های بچه‌های این نسل ارتباط بی‌واسطه‌ای دارید، چقدر به آینده تئاتری این نسل امیدوارید؟**

وجوه خیلی خیلی مثبتی از این نسل می‌بینم؛ مثلا این نسل جسور است، آزاد است و خیلی از محدوده‌های بی‌منطقی را که نسل ما چشم‌بسته می‌پذیرفت، نمی‌پذیرد. این نسل بسیار پر معلومات است و اطلاعات زیادی را می‌تواند به واسطه امکاناتی که در دست دارد، مثل کامپیوتر، موبایل و... به‌دست آورد. در کنار این وجوه فوق‌العاده، نمی‌توان منکر شد که این نسل پشتکار کمی دارد و انگیزه‌هایش خیلی زود خاموش می‌شود. اگر بخواهم این نسل را با نسل خودم مقایسه کنم، باید بگویم ما هیچ‌وقت این همه اطلاعات نداشته‌یم و این میزان هوش و زیرکی در زندگی و روابطمان جاری نبود؛ اما ما خیلی پشتکار داشتیم؛ یعنی فکر می‌کردیم زندگی جنگ است و اگر از یک در بیرونت کنند، باید از در دیگری داخل بیایی و خودت را ثابت کنی؛ اما این نسل فاقد این ویژگی است و ممکن است راحت‌طلب به نظر بیاید که راحت‌طلبی هم برای نوشتن شم است. ممکن است این ویژگی برای کارگردانی و... سم نباشد؛ اما نوشتن واقعا نیازمند سخت‌کوشی و وسواس است.

چهره روز

بابک حمیدیان:

جهان می‌تواند ساده‌تر اداره‌شود



● **بهناز شیربانی:** بابک حمیدیان می‌گوید عکس‌های به نمایش درآمده از فیلم «ایستاده در غبار» گویای این حرف است که جهان چقدر ساده‌تر از اینها می‌تواند اداره شود. جایگاه عکاسی فیلم از گذشته تا کنون تأثیر بسیاری در معرفی و تبلیغات

فیلم داشته، چه زمانی که مردم با دیدن عکس‌های ویرترین سینماها به دیدن فیلم ترغیب می‌شدند و قبل از نمایش در سینما با دیدن همین عکس‌ها، فیلم را در ذهن مرور می‌کردند و چه درحال حاضر که دیگر از ویرترین‌های سینما خبری نیست اما عکاسان فیلم همچنان نقش تأثیرگذاری در فروش و تبلیغات فیلم‌ها ایفا می‌کنند. این روزها تالار پاییز خانه هنرمندان، میزبان نمایشگاه عکس‌های فیلم «ایستاده در غبار» است. نمایشگاهی که هم‌زمان با نمایش فیلم برگزار شده است و می‌توان با دیدن عکس‌های سحاب زری‌باف «ایستاده در غبار» را از زاویه‌ای دیگر دید. زری‌باف تائکون عکاسی فیلم‌هایی چون «بل خواب»، «اشباح»، «ندارها»، «بیداری» و «دلشکسته» را بر عهده داشته و برگزیده سیمرخ بلورین بهترین عکس از سی‌وسومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر و عکاس برگزیده شانزدهمین جشن خانه سینما است.

به فاصله چند روز از نمایش خصوصی «ایستاده در غبار»، سحاب زری‌باف، نمایشگاهی از عکس‌های این فیلم را در خانه هنرمندان رومنایی کرد. نمایشگاهی که تائکون میزبان بسیاری از چهره‌های فرهنگی و سیاسی بوده است. حامد بهداد، بابک حمیدیان، مهتاب کرامتی، حبیب رضایی، سحر دولتشاهی، رؤیا تیموریان، عبدالله اسکندری، ماهیون ارشادی، افسانه پاکان، قنقای فراهانی، مینا ساداتی، مهرداد صدیقیان، حمیدرضا صدر، سام نوری، کاظم سیاحی و مانی باغبانی، علی نیک‌رفتار، مهدی دلخواسته، فتاح ذی‌نوری، محمد بدلو، بهروز صادقی، مسعود کیمیایی، محمداقراقالیباف، لوریس پاکتاواریان، سیفاله صمدیان، محمود صلاحی، هادی ایازی، محمد سریر، عبدالحسن مختاباد، اکبر زنگان‌پور، منوچهر والی‌زاده، یولاد کیمیایی، بهروز افخمی، سیروس الوند، اصغر همت و... ازجمله هنرمندانی هستند که تائکون از این نمایشگاه دیدن کرده‌اند. زری‌باف درباره این نمایشگاه گفت: «انگار که در این فیلم عکاسی سینما نمی‌کردم، دلم نمی‌خاست چشم از ویزور دوربین جدا کنم و همه‌چیز برایم واقعی بود. یاد عکس‌هایی که از کاوه گلستان، محمد فروند، الفرد یعقوب‌زاده و محسن راستانی از جنگ ایران و عراق دیده بودم، می‌افتادم و هر روز هیجانی تازه را تجربه می‌کردم». بابک حمیدیان، بازیگر سینما نیز یکی از بازدیدکنندگان این نمایشگاه بود. گفت: «نه به عنوان هنرمند یا هر آنچه اسم می‌برند بلکه به عنوان یک انسان به وظیفهام عمل کردم و با عشق عکس‌های سحاب زری‌باف از این فیلم را دیدم، سحاب هم به وظیفه‌اش عمل و از نگاه خودش «ایستاده در غبار» را روایت کرده است.

او ادامه داد: «روحیه سحاب را می‌شناسم و می‌دانم با تمام عشق و علاقه‌اش لحظات این فیلم را ثبت کرده و قطعا برای او هم تجربه متفاوتی است. سحاب در این فیلم در موقعیتی قرار گرفته است که عکس‌هایش گویای این حرف است که جهان چقدر ساده‌تر از اینها می‌تواند اداره شود». این نمایشگاه تا دوم آت ساعت ۱۴ تا ۲۰، پذیرای علاقه‌مندان است.

زیر آسمان فیروزهای

فیلمیران، پخش‌کننده فیلم اصغر فرهادی

● **شرق:** شرکت فیلمیران پخش فیلم «فروشنده» به کارگردانی اصغر فرهادی را به عهده گرفته است. علی سرتیپی، مدیرعامل شرکت «فیلمیران»، درباره زمان اکران فیلم در ایران به ایسنا گفت: «اکران اروپا و آمریکای فیلم از شهریور آغاز می‌شود و ما در تلاش هستیم که قبل از این زمان در ایران فیلم را اکران کنیم و به دنبال اولین زمان هستیم». طبق گفته‌های وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس سازمان سینمایی فیلم «فروشنده» مشکلی برای نمایش عمومی ندارد و توانسته مجوز اکران عمومی را به دست بیاورد. شرکت پخش «فیلمیران» پیش از این نیز پخش فیلم‌های «درباره الی»، «جدایی نادر از سیمین» و «گذشته» را در ایران به عهده داشته است. فیلم «فروشنده» با بازی ترانه علیدوستی و شهاب حسینی اخیرا نشان نخل طلا را برای بازی شهاب حسینی و جایزه بهترین فیلم‌نامه را برای اصغر فرهادی از جشنواره کن برای سینمای ایران به ارمغان آورده است.